هو العلیم

عبارات مختلف فقهاء در باب انکار ضروری (2)

تحلیل استدلالهای فقهی درباره حکم انکار احکام ضروری دین

سلسله دروس خارج فقه ـ ارتداد ـ جلسه نهم

استاد
آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی
قدّس‌الله‌سرّه

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم

اقوال مختلف فقهاء در باب ضروری بکار

بدانکه در تقدیم یکی از ضروریات بر دیگری اختلاف کرده اند، بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری دین و ضروری دنیا، دین مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نفس و ضروری مال، نفس مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نفس و ضروری عرض، نفس مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عرض و ضروری مال، عرض مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری دین و ضروری عقل، دین مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عقل و ضروری نسل، عقل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نسل و ضروری مال، نسل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری مال و ضروری دین، مال مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری دین و ضروری نفس، دین مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نفس و ضروری عقل، نفس مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عقل و ضروری عرض، عقل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عرض و ضروری نسل، عرض مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نسل و ضروری دین، نسل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری دین و ضروری مال، دین مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری مال و ضروری نفس، مال مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نفس و ضروری نسل، نفس مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نسل و ضروری عقل، نسل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عقل و ضروری دین، عقل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری دین و ضروری عرض، دین مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عرض و ضروری مال، عرض مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری مال و ضروری عقل، مال مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری عقل و ضروری نفس، عقل مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری نفس و ضروری دین، نفس مقدم است، و بعضی گفته اند که در تزاحم بین ضروری دین و ضروری نسل، دین

رکنه‌کی‌صخش‌ه‌کت‌سا‌ه‌دوب‌ی‌زاکترا‌رما‌ک‌ی‌ءاهقفن‌ایم‌ردّن‌أک‌انعم‌ن‌یا‌و‌درادن‌دوجو‌ت‌ایاور‌رد‌ترابع
.ت‌سا‌م‌کح‌راکنا‌ط‌قف‌ه‌کی‌لاحرد [دوشی‌م‌دترم] ماکحا‌زا‌ی‌مکحا‌ی‌روزر‌ضراکنا‌ف‌رص،دوشی‌روزر‌ضک‌ی
اًعقاو‌ی‌صخشرگا .دشاب‌ی‌عرشرثا‌ب‌جوم‌و‌دنکم‌ایقدناوتی‌م‌ی‌اه‌دودحم‌ه‌چرد‌راکنا‌ن‌یا‌ه‌کم‌ینیبدیاب‌ام‌اما
ماکحا‌زا‌ی‌مکحی‌لو‌دشاب‌کلذل‌اثما‌و‌ث‌عبو‌دیحوت‌و‌مّلسو‌هلآ‌و‌هیلع‌الله‌یّلص‌مرکا‌ربمغیپ‌ت‌لاسر‌ه‌بل‌ئاق
!؟م‌یشاب‌ه‌تشاد‌وا‌دادترا‌و‌رفکرب‌م‌ینا‌وتی‌م‌ی‌لیلد‌ه‌چ‌ام،دشاب‌ه‌تشادنل‌وبقاًداقتعا‌ار
و‌دناه‌دمآ‌ش‌یپ‌رهاوج‌ب‌حاص‌موحرم‌ش‌ور‌و‌ه‌قیرط‌نامه‌ربا‌جنیا‌رد‌یّلحن‌یسح‌خیش‌اقآ‌موحرم
.دناه‌درکنزاییت‌سه‌رهاوج‌رد‌ه‌کچنآ‌ربةفاضا‌نادنچ‌ار‌ی‌بلطم
ی‌انعم‌ه‌بی‌روزر‌ض [رگید‌ی‌انعم] ،دناه‌تفرگی‌هیدب‌ی‌انعم‌ه‌بار‌ی‌روزر‌ه‌کنیا؛ت‌سه‌ه‌تکن‌ه‌سا‌یود‌ه‌تبلا
.ت‌سا‌ی‌هیدب‌ی‌انعم‌ه‌بی‌روزر‌ض‌ه‌کدناه‌تفگا‌جنیا‌رد‌ی‌لو‌ت‌سا‌م‌زلا‌ه‌کن‌کمم‌لباقمرد‌ی‌نعی،ت‌سا‌ن‌کمم‌ف‌لاخ
ش‌دوخ‌ولو‌دنکی‌م‌راکنا‌ار‌ی‌روزر‌ضک‌ی‌ه‌کی‌سکس:ت‌سا‌ن‌یا‌دنهد‌حیضوت‌دنهاوخی‌م‌اجنیا‌رد‌نا‌شیا‌ه‌کی‌اه‌تکن
.ت‌سا‌ن‌ید‌ل‌صا‌راکنا‌م‌کح‌رد‌ی‌روزر‌ض‌راکنا‌ه‌کنیا‌ت‌هجه‌بت‌سا‌دترم‌و‌رفاک‌رظنه‌طقن‌ن‌یا‌زا،دشاب‌نم‌هم‌لاع
ی‌تقو!م‌رادنل‌وبقت‌ایضایر‌رد‌ار‌ع‌مجن‌م‌ه‌کدیوگب‌ی‌لو‌دناوخب‌ی‌ضایر‌م‌لاع‌دهاوخب‌ی‌سکل‌اثمب‌ابن‌م
ای.ت‌سا‌ع‌مجت‌ایضایر‌نا‌کرا‌زا‌ی‌کی؛دیاه‌درکراکنا‌ار‌ت‌ایضایر‌ل‌صاع‌قاورد‌دیرادنل‌وبقار‌ع‌مجا‌مشه‌ک
م‌لاعئ‌همه،ت‌سینق‌یرفتم‌لاعردًلاصا‌و‌م‌رادنل‌وبقار‌ق‌یرفتًلاصا‌ی‌لو‌م‌ناوخب‌ی‌ضایر‌م‌لاع‌م‌هاوخی‌م‌ه‌کدیوگب
ی‌م!؟ه‌چ‌ی‌نعی...و‌ق‌یرفت،ت‌سا‌ع‌مجم‌اقم،م‌اقم!ت‌سا‌م‌کاح‌دیحوت‌و‌ت‌دحو‌م‌لاعئ‌همه‌رد!ت‌سا‌ت‌دحو
ه‌کنیا‌ای.م‌ینکادجر‌گیدمه‌زا‌ار‌ودن‌یا‌دیاب‌س‌پ!ت‌سا‌رگید‌ئلئسم‌ک‌ی‌ن‌یا‌و‌ت‌سا‌ف‌رح‌ک‌ی‌نآ:دنیوگ
ت‌قو‌ی‌ضعب‌ن‌اتدوخ‌ارچ‌س‌پ‌دیرادنل‌وبقار‌ع‌مجرگا .دنتسه‌ترثک‌ه‌بل‌ئاق،م‌یرادنل‌وبقار‌ع‌مجام:دیوگب
!؟ ... ه‌کاجره‌اما‌دیراد‌ل‌وبقار‌نآ‌اه
؛ت‌سین‌روطن‌یا‌ماکحا‌رد‌ی‌لو‌ت‌سه‌ف‌رح‌ن‌یا‌ه‌کم‌ییوگی‌م‌دنکنل‌وبقار‌ن‌ید‌ل‌وصا‌رگا،ه‌لب:دنیملت
.ت‌سا‌ی‌تهجب‌زیچ‌ک‌ی‌زامنه‌کدنکنل‌ایخ‌اًعقاو‌ل‌اثمب‌ابن‌م
ه‌راشا‌ه‌لئسم‌ن‌یا‌ه‌ب‌دنهاوخی‌م‌مهی‌ّلحم‌وحرم‌دوخ‌اذل .م‌یسرب‌ه‌تکن‌ن‌یا‌ه‌ب‌م‌یهاوخی‌م‌لاح،ه‌لب:دانسا
.ت‌سیچ‌روظنم‌ه‌کدنک
ص‌خشع‌قاورد‌نآ‌زا‌ض‌فرا‌ب‌ه‌کدهدی‌م‌لیکشتار‌ن‌ید‌ک‌ی‌ت‌اهًّماُ‌ه‌کچنآ:ت‌سا‌ن‌یا‌رد‌ت‌بحص‌لاح
ةَلاصلا‌ی‌لع‌سِمَخ‌ی‌لع‌ُمالسلإا‌ی‌نُب»:م‌یراد‌زامنه‌دروم‌رد‌ل‌اثمب‌ابن‌م؛دوب‌دهاوخن‌ید‌نآ‌ه‌ب‌ن‌یدتم‌ًلاصا
قلاصًلاصا‌ی‌صخشرگا‌لاح **«ةِیلاوللا‌ب‌ی‌دوُذ‌امکِ‌ءِیشبَ‌دائیم‌لِ‌و‌ةِیلاوَلا‌و‌ِّجحلا‌و‌ِموّصلا‌و‌ِةاکّزلا‌و**[1]

---

[1].1 ح ،18 ص ،ملاسلإا‌م‌ئاعَدُ‌ب‌اب ،رفکلا‌و‌نامیلإا‌ب‌اتک ،2 ج ،ی‌فاکلا .

یک اما دارد لو یقبول دناوخی مزامن املسم ،قلاس نودبان املسم تسیب .تسا یکوت املسم نیا زامن یقبول دناوخ ار یملاسا ًلاصا یعنی تسیب تقو !تسا یزامن ًلاصا :دیوگ یم هک دیوگ یم نانچمه !تسا یزامن ًلاصا هک دنک یم رکنم دارد یجوهل و علم هب یاج هک دنک یم رکنم دارد یجوهل و علم هب یاج هک دنک یم رکنم دارد یجوهل و علم هب یاج

أَدَمحُم نّأ ُاللهّ لاِإ هلإ لا نأ َدهشأ اذإ َنوُلوُقي ءلاسلإا ملع هيلع ُاللهّ ىلص ِاللهّ ُلوسر ُدمحم نّأ و ُهُدبعو ُهُلوسرو ،ةداهشلا هذه ِلهأ نم ُهنإ :لاقي ،نمؤم وهف ،ةلص

ار وا ،معز ین یا و باکترا سفن ،است لال حلا ین یا هکدیوگب و دوشب کترم ار رئابکز ای رییبکه کی سک»
«.دنکم یج راخ ملاسا ز ا

هکدیوگب و دوشب کترم ار ای رییبکه کلبم زع یَلَم و دوشب کترم ار ای رییبکه کی سک

زا ی ای رورض ا جنیا رد ً لاصا و ا !دراد ندیا یم ن یا رد ی اهبش ی نعی دنکی م ر اکنا ار ب اجح !تسا هدرک م الاسا خسن ا جنیا رد ً لاصا ی نعی !تسا هتشادرب ار تسا م الاسا ع یرشت اهمُا زا هک م الاسا ت ایرورض

م الاسا ع یرشت هَّمهُم ل ئاسم زا ا انز ت مرح

ن ز زا ی اهدعاص ل ا مثب ا بن م .تسا هدآ ن ا ربم الاسا هک ی ا پ یابکر ئا ی زا ی اهدآ ن ا ربم الاسا هک ی ا پ ی ن ا ر ظنم ن ا ی ا ت سا تضرح ؛تسا یکیرمآ ی ا ی اهدنوم رف ت ضرح ،دنروا یی م الاسا هک دنداد ن ا ب ر ا

حرام می‌دانند! فقط افراد بالای ما و اهل آنها حلال می‌کنند، آن‌قدر تبعیض و کج‌فهمی وجود دارد که می‌گویند: ما حلال ابن‌ملجم را حرام می‌کنیم! این نظر از روایاتی که می‌گوید: «لَعَنَ اللهُ ابْنَ مُلْجَمٍ وَ مَا أَرْدَى رَجُلاً أَقْدَمَهُ إِلَى النَّارِ»، برداشت شده است و دوشی هم از روایات استفاده حرمت نمی‌کند و دوشی هم که می‌گوید: روایات استفاده حرمت نمی‌کند، بگوییم که از این روایات استفاده حرمت می‌شود، دیگر نمی‌تواند بگوید که این مسئله مهمّه اسلام است، بلکه این یک فتوا است.

فتوا و تبعیت از حکم ولی فقیه

مهم فتوا و تبعیت از ولی فقیه است یا تبعیت از ولی فقیه در خارج؟ آیا حکایت می‌کند یا تأسیس می‌کند؟ آیا حکایت می‌کند یا جعل می‌کند؟

در اینجا دو دلیل هست: یک دلیل می‌گوید که اصل به دو خاطر تغییر موضوعات است و به همین خاطر تبعیت از ولی فقیه در اینجا نیست. بعضی‌ها می‌گویند که در اینجا تبعیت از ولی فقیه نیست و قرینه بر این دارند که گرچه تبعیت از ولی فقیه است، ولی چون موضوع عوض شده است و آن حکمی که ولی فقیه بر آن جعل کرده است، تبدّل موضوع پیدا کرده است، دیگر تبعیت نیست.

این مطلب را می‌توان به این شکل بیان کرد: تبعیت از ولی فقیه در جایی است که ولی فقیه در آن جا تصرف می‌کند و حکم می‌کند، مثل این که می‌گوید: نماز جمعه واجب است، یا می‌گوید: حج واجب است، یا می‌گوید: خمس واجب است، یا می‌گوید: زکات واجب است، یا می‌گوید: خیابان فلان‌جا باید این‌طور ساخته شود، یا می‌گوید: فلان مسجد باید این‌طور ساخته شود، یا می‌گوید: فلان مسجد باید خراب شود، یا می‌گوید: فلان مسجد باید این‌طور تعمیر شود، یا می‌گوید: فلان مسجد باید این‌طور ساخته

ار نینرقلاوذ هکدیوگبیسکو دوبروطنیا هلئسمنینرقلاوذ درد لاثمبابنم هکدیامرفبمّلسو هلآ و هیلعالله .تسا هدمآ نآرقردنینرقلاوذ نوچتسا هدرکتسالسرراکنا اجنیا رد اًعبط !تسا غورد نینرقلاوذ و مرادلذوبق ربمغیپ :دیوگبیصخشرگا [1]،شیرُق نم تعضرتسا و هّنانکیّنبنم یّنإ :دیوگبربمغیپ هکنیا یاب بابنم هکنیا یا تسا هدوبنهانکیّنبزا ،تسا هدوبمیمتیّنبزا ربمغیپ !دیوگیمغورد .دنکیمدرار ربمغیپ ملاکصخشنیا هکبابنیا زا

نیا ایآ هکدنسیونیمتالاقمردنارگید و تسا حرطمهنالآ و دوشیمادیپاجنیا رد هلئسمکی :ذیملت تسالسرراکنا مزلتسما اهنیا راکنا هکمییوگبام هکنیا اتتسا ی حو همه تسا هدشردام ربمغیپ زا هکی تاملک ؟تسا

نیا هبعجارلااح !دینکربصه ،ریبریَمّهللا مکحهبراوگرزبیاقآبانچ هکدنامتفگمیدقزا ،هلب :داتسا یمنربتسدامشزادالترابابردیدوزنیا هبام .مینکیمنایاربشتایفیکومینکیمتبحصکیبکیبلاطم غیلبتهبلقفرهچنانچرگا [مهدعبهبرفصهام] مهدزناپزا یتحللهاءاشنإ ،دیشکلوطایاضقنیا رگا !میراد همادامهنآدعبزورد ،تاماماتچنزورد ،مینکیمرظنهبهکروطنیا .میهدهکی تلایطعتنیا ابهکدوریمالمتحادسریمرظنهبهکروطنیا .دنکادیپهمادا ثحبدوشحرطمتسانکمماجنیا هکیاهفلتخمثحابنیا و میرادام

رایسبهکتسارفاکتساجزتراطخ و ثحبنیا دیابًاّمتحللهاءاشنإ هکی ثحب نوچمیزادنینادعبلاسیاربارنیا رگید ،دیشابهتشادتقو رگا لاحهکمنکیملایخنمو تسایمهی ثحب زاروظنمهکدوشیمهتفگهکلئاسنیا و دنتسهرهاظایدنتسهسجزباتکلهاایآ !تسایمهرایسبثحب آن ؟تسیحیحصایتسایحیحنیا ایآ ،تسایونعو یّنطابترادقزو تساجزتسارفاکتساجز ،نیکرشمو زورما هبلتبمهنیا و تسا اهنآهبتبسنتساجزربّبترتمهکیملاکحا .دیآیمادیپاجنیا رد رفاکدلوثحبتقو امثحبنیا دوشنلصاحیئادبو دهدقیفوتادخرگا هکمتسهدصردیلیخنمالذ .مینکیمضرعهکتسا .میناسربیاجهبارباتدوشمامتمانیا زا لبق

نیا ام تسا دراویناببنیا ربهکدنتسهیتلااکشا ،دییامرفبدیهاوخیمامشهکیلئاسنیا همه .میهاپهتشادگشذقویارباراتلااکشا

.تسا تسالسرراکنا مزلتسمنیا هکدنامتفگاهیضعبابهچزا هکمینکیمحرطماجنیا رد ارنامزًلاعف هکدنادیمو دوشیمیحوا ربیربمغیپهکدرادداقتعاهکنیا ابیصخشرگا هکهبشد لا و ّکَشَ لا ینعی !تسا رفاکدرفنیا هکتسینیا ردیکشد «دیوگبًادماو ًاملاع ،تسا قداص ربمغیپ :دیوگبًادماو ًاملاع ،تسا قداص

---

[1]:(فلاتخایردقابلاروز .
«.دعَسینبیفتعضرَتسا و شیرُقْنمِیّنأَدیبِدأَضلابَ قَطَنْنَمُحَصْفَأَنأ»

موحرم یتح !دشابن روضرو یسک چیه ًلاصا ولو !تسا هدرک راکنا ار یلطبم نیا هکنیا یشک کنرد هتسا .تسا روطنیمه مهم تاعوضوم رد هکدیامرف یم ّلح

غورد ربمغیپ هکدیوگب ًادابآ و ًارابکتسا ًاعقاو یصخش هک تسا جراخ ثحب هئرا ًادتبا زا ًلاصا نیا مدآ ًلاصا وا ینعی دهدی م ًاجام ًادماو ًاملاع هکی ّسبن نیا .دنکن سار ربمغیپ لاثمب نبا م هکنیا یتفگ هتسا هک تسا نیا ش یاب نبا لاثمب نبا م هکنیا یارب !دراد ذوعن ًلاصا هللاب ذوعن !نعم ینا ش نیا هک تسا نیسحت هکی یتقو رمع ل وقی هکلب دنکن ایب ار م ًلاسا ماکحا زا یکی دهاوخ یم نم اجنیا رد هک ربمغیپ[1] «رُجهَیَلَ لُجَرلا نَّإ» :دیوگ یم دهاوخ یم نم اجنیا رد هک ربمغیپ[1] «رُجهَیَلَ لُجَرلا نَّإ» :دیوگ یم .دنک وضوم تابثا ات دیروایب م ًلعا ات دوا هک دیوگ یم .مسیون نم هکنیا ات دیروایب م ًلعا ات دوا هک دیوگ یم ،رمع رمع ـ ًاعقاو ًاعقاو یم دیوگ یم ،مییوگ یم ،نعی دنوادخ هب وبحص چیه ـ دقتعم دوب ربمغیپ هکنیا یارگ ًاعقاو عجوَلا هیلَبَغ ،نعی دنز یم فرح هنوگن یا و تسا هدرک هبلغ ربمغیپ رب رمع ض رم ،دنزب م ًاماب رمع هب ،دشاب هتشادن ضارتعا هجوت هب م هکنیا ؛دیایب ی صخش هک دشاب هتکن ًاحلا ره و دشاب هتشاد ضارتعا ش تسا ثم ل هکنیا ات دیروایب م ًلعا ات دوا هک دیوگ یم ،رمع رمع ـ ًاعقاو ًاعقاو یم دیوگ یم ،مییوگ یم ،نعی دنوادخ هب وبحص چیه ـ دقتعم دوب ربمغیپ هکنیا یارگ ًاعقاو عجوَلا هیلَبَغ ،نعی دنز یم فرح هنوگن یا و تسا هدرک هبلغ ربمغیپ رب رمع ض رم ،دنزب م ًاماب رمع هب ،

!تشادزار اهی زابن یا

.تسا هدرم هکم یگیوی مالذ ام ،هلب :تسا

ذیملت :هن ،ام م یخواهیم گبیوی مکه حتی اقتعا دابه یغمبر یاشان هم ذشادته تسا؛ یعنی أنطاب قول

؟میگیوی مار ان یا متاوی هیم یا !آ تسا هدیسر نآ هب و تسا یغمبر یاشان یغمبر هک تسا هتشاد ذشاد

!تسیزروطن یا هکن یا ،هن :تسا داب

﴿ :تلمیذ ﴾ نَیذِلَّا ءَاتَی مُهُذَخَأ بَتِکلا لَ مُهُنوفرعُی امَکَ مُهَءَانبَأ نوفرعَی مُهنِّم اقًیرَف نَّإَو مُهَملعَی قحلا وهَ مُهَکَبر نِم کیلَإ لزنأ امب نوُنمؤُی لا مُهَّنأَ اوُرسخَ نیذَّلا ﴿2﴾ نَوُملعَی

!تشاد دحج و دانع و رابکتسا یلو تسا هب هبسن هکوا ،هلب :تسا داب .دشکی رد

!میرادن آ ذجا رد نیا و حو یغمبر یحر کرد هسا تسا !عمر واقعاً یغمبر ار م ار یغمبر هب س

!؟تسنادی‌مذوا ایآ ،میناد‌یم تسا لاس دصرا‌هچ‌و رازهزا دعب ام !؟تسا‌ی‌نطاب‌م‌لع

،[دندرکی‌م‌لاؤس] تارو‌تزا اهنآ ،دندمآ‌ی‌م دوهی‌ا‌ملع ،دندمآ‌ی‌م‌نینمؤ‌ملاریما دزن‌ی‌ار‌اصنا‌ی‌ا‌ملع
،اهنآ‌ی‌نطاب‌تارو‌تزا !دهد‌ربخ‌و دنک‌ه‌اگن‌تارو‌ته‌ب‌ه‌ک‌دوبن‌نینمؤ‌ملاریما دزن‌ی‌تارو‌تًلاصا‌ع‌قومن‌آ‌ه‌کی‌لاحرد
ه‌دمآ‌ه‌کی‌یاهی‌دوهی !ادی‌م‌ربخ‌دنیبی‌سک‌ه‌ک‌دندادی‌منه‌زاجا‌و دندوبه‌درک‌س‌بح‌نزخم‌رد‌ار‌ن‌آ‌ه‌کی‌تارو‌ت
ی‌فخم‌اهنآ‌لاو‌رگید‌تسا‌زاجعا‌اهنیا‌م‌امت .دندروآ‌ار‌ی‌ل‌ص‌ات‌ارو‌تو دندرب‌ار‌اهنآ .م‌یوربه‌ک‌دنتفگ ،دندوب
ه‌کی‌صخشٰی‌ندا‌ه‌ک‌دوبی‌لئاسم‌اهنیا‌ریغو ب‌تکن‌یا‌ه‌ب‌ع‌جار‌ی‌تحا‌یا !دمهفبی‌سک‌دنتساوخی‌منو دندوبه‌درک
ت‌سیبه‌ک‌رمع‌ن‌یا‌ایآ‌ت‌قون‌آ .تسا‌یّندلم‌ول‌ع‌ن‌ینمؤ‌ملاریما‌م‌ول‌ع‌م‌امت‌ه‌ک‌نیا‌ه‌ب‌درکی‌م‌مکح ،دمآ‌ی‌م‌ه‌نیدم‌ه‌ب
!؟دیمهفی‌منذوبم‌ه‌ربمغیپ‌ابایآ !؟دمهفی‌منت‌سا‌ی‌ل‌ع‌ابه‌تعاسرا‌هچ‌و

!دشی‌منرمع‌ه‌ک‌دوبه‌تخانشنزگا :نذیملت

!دوبط‌یسبل‌هاج !دوبی‌لهاج ،ه‌لبا :داتسا

ع‌ورشو دنک‌قطاز‌ار‌ه‌چ‌بترضح‌دعب ،دنروایبن‌ینمؤ‌ملاریما‌ی‌ولجار‌اروخریشه‌چ‌و دننکانز‌ه‌ب‌مکح
[1] !دنیبی‌مرمع‌و تسا‌ن‌م‌ردپن‌یا‌ه‌ک‌دیوگبو ن‌درکت‌بحصه‌ب‌دنک

دمحم‌لآ‌و دمحم‌یٰلع‌لّصم‌هللا

«.“ب‌لاطی‌بأ‌ن‌با‌دعب‌هّللا‌ی‌ناقبأ‌لا” :لاقفَرمع‌کلذ‌غلَبف ... :ةیاورِی‌فو»
:182 ص ،2 ج ،بقانملا

«.“ی‌لع‌ایکَدعب‌هللا‌ی‌ناقبأ‌لا” :لاقرمع‌نأ‌لیقع‌نب‌ییحیةیاورِی‌ف»

[1] .ی‌سرب‌لاحرد‌ردصم .